

دزفول

از نگاه سفرنامه‌ها

گردآوری و تألیف
علیرضا قادرپناه



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	قادریناه، علیرضا، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	دزفول از نگاه سفرنامه‌ها/ علیرضا قادریناه.
مشخصات نشر	تهران: ارمغان تاریخ، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۴۲ ص.: مصور.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	978-600-8079-17-0
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	دزفول
موضوع	سفرنامه‌ها
موضوع	Traveler's writings:
موضوع	(Dezful (Iran:
موضوع	دزفول -- سیر و سیاحت
موضوع	Dezful (Iran) -- Description and travel:
موضوع	دزفول -- تاریخ
موضوع	Dezful (Iran) -- History:
رده بندی کنگره	۱۳۹۶: زعق ۲/۸۷ DSR۲۰۸۷
رده بندی دیویی	۹۵۵/۵۳۳۲:
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۱۱۲۱۸:

دزفول از نگاه سفرنامه ها

علیرضا قادریناه



دزفول از نگاه سفرنامه ها

علیرضا قادریناه	گردآوری و تالیف
ارمغان تاریخ	ناشر
تهران، ۱۳۹۶	چاپ اول
۵۰۰	شمارگان
محمد پورنعمت	صفحه آرایی و طراحی جلد
خانی	صحافی
۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۹-۱۷-۰	شابک
۳۰۰۰۰ تومان	قیمت
ارمغان	چاپخانه

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران میدان انقلاب، ابتدای خ کارگر جنوبی، کوچه رشتچی، پلاک ۱۳، واحد ۴، تلفن: ۶۶۹۴۶۶۵۶، کد پستی: ۱۳۴۱۹۱۵۵۱۴، همراه: ۰۹۳۶۶۰۶۹۱۲۳
پست الکترونیک: armaghan.tarikh@gmail.com

مراکز پخش: تهران: میدان انقلاب، ابتدای خ کارگر جنوبی، کوچه رشتچی، پلاک ۱۳، واحد ۴، تلفن: ۶۶۹۴۶۶۵۶
اهواز: کتابخانه هدایت، تلفن: ۰۶۱-۳۵۵۳۰۷۶۱
دزفول: کتابخانه سید عالمشاه، خ انقلاب روبروی آموزش و پرورش، تلفن: ۰۹۳۶۶۳۱۲۴۸۱
کتابسرای رشد: ۰۶۱-۴۲۲۴۱۰۱۲

تقدیم به روح بزرگ پدرم
و سپاس از مادر مهربان
و همسر فداکارم

و

پیشکش به شما خوبان دزفولی

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
پیش گفتار	۱
دزفول از نگاه سفرنامه ها	۱
مقدمه	۳
موقعیت جغرافیائی شهرستان دزفول	۳
موقعیت طبیعی شهرستان دزفول	۴
وجه تسمیه و سابقه تاریخی دزفول	۵
نگاهی به ترکیب نژادی مردم دزفول	۶
نگاهی به آثار تاریخی و باستانی شهر دزفول	۱۰
تپه چغامیش	۱۱
آثار تاریخی شهر دزفول	۱۴
پل قدیم دزفول	۱۴
خانه های آجری دزفول	۱۵
حمام ها	۱۷
آسیابهای آبی دزفول	۱۷
مساجد دزفول	۱۸
فصل اول؛ بررسی سفرنامه های قرون اولیه اسلام تا دوره صفویه	۱۹
اوائل قرن ششم و ابتدای قرن هفتم	۲۶

۳۱	فصل دوم: سفرنامه های دوره صفویه تا قاجار
۳۴	اول. سفرنامه حزین لاهیجی
۳۵	دوم. از مجموعه خردافزا
۳۸	سوم. تذکره دزفول
۴۱	فصل سوم: سفرنامه های دوره ی قاجار تا پهلوی
۴۴	اول. سفرنامه لافتوس
۴۸	دوم. سفرنامه لرستان و خوزستان؛ محمود میرزا قاجار
۵۱	سوم. خاطرات فرید (میرزا محمدعلی خان فرید الملک همدانی)
۵۵	چهارم. سفرنامه لرستان و خوزستان؛ حسنعلی خان افشار
۶۵	پنجم. سیاحت نامه یا بستان السیاحه اثر حاج زین العابدین شیروانی
۶۷	ششم. سفرنامه خوزستان؛ حاج عبدالغفار نجم الملک
۷۶	هفتم. سفرنامه ویلسن
۸۲	هشتم. سیاحت نامه مسیو چریکف
۹۱	نهم. سفرنامه بارون دوید
۱۰۲	دهم. سفرنامه هنری راولینسون
۱۱۰	یازدهم. سفرنامه جنوب، تالیف بابن و هوسه
۱۱۷	دوازدهم. سفرنامه هنری لایارد
۱۲۱	سیزدهم. سفرنامه دیولا فوا
۱۳۲	چهاردهم. ایران و قضیه ایران، لرد کرزن
۱۳۷	پانزدهم. خاطرات کاوشهای باستان شناسی شوش، دیولافوا
۱۴۸	شانزدهم. سفرنامه دوراند
۱۵۲	هفدهم. سفرنامه دموورگان

۱۵۷	هجدهم. خاطرات حاج عزالممالک اردلان
۱۶۰	نوزدهم. زندگانی من (سید احمد کسروی)
	بیستم. شرق و غرب زاگرس نوشته جان سیسیل ادموندز (مامور
۱۶۲	سیاسی انگلیس در ایران بین سال های (۱۹۲۱-۱۹۱۳م)
۱۷۷	فصل چهارم: سفرنامه های معاصر
۱۸۰	اول. سفرنامه خوزستان، رضا شاه
۱۸۶	دوم. خاطرات سردار اسعد بختیاری
۱۸۸	سوم. گزارشی از دزفول در روزنامه اطلاعات ۱۳۲۷
۱۹۱	چهارم. دیدنی ها و شنیدنی های ایران، محمود دانشور
۱۹۵	پنجم. ره آورد کوتاهی از سفر جنوب، روزنامه سپید و سیاه سال ۱۳۴۰ ه.ش
۱۹۹	ششم. LIGHT ME A CANDLE
۲۰۳	هفتم. از زنوز تا دزفول
	هشتم. گزارشی از سفر به خوزستان: دزفول دژی مستحکم در
۲۰۹	مقابل ضربات دشمن (به اختصار)
۲۱۸	نتیجه گیری
۲۲۱	فهرست منابع و مآخذ
۲۲۷	فهرست ها

پیش گفتار

۱/ سفرنامه‌ها و خاطرات از جمله مهمترین اسناد و مدارکی هستند که می‌توان توسط آن‌ها با فرهنگ مردم هر منطقه آشنا شد و آن را بررسی کرد. در این سفرنامه‌ها به زبان، آداب و رسوم و لباس مردم و همچنین صنایعی که در این منطقه موجود بوده اشاره شده است. با بررسی سفرنامه‌ها و مطالعه آن‌ها می‌توان به بازسازی فرهنگ فراموش شده یک قوم که در برخورد با پدیده جهانی شدن از یادها رفته است پرداخت چرا که آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی مردم که در ازمئه سابق موجود بوده رفته‌رفته از شیوه زندگی مردم رخت بر بسته و در فرهنگ امروزی مردم یافت نمی‌شوند. ۱/

نوشتن خاطرات سفر از جمله عادات نیکوی اهل فضیلت از روزگاران گذشته بوده است و قدیم ترین خاطره نویسی ها، نوشتن خاطرات سفر است.

نگاشتن سفرنامه ها از ویژگی و اهمیتی برخوردار است که دیگر کتب خاطرات از لحاظ اهمیت بدان مرتبه نمی رسد. کسانی که کتاب خاطره مربوط به زندگی در دیار خود را می نویسند غالباً به مسائل فردی خود و مراودات خویش با هموطنانشان را مورد توجه قرار می دهند که افراد مورد بحث اعم از عالی و دانی، بهر حال ساکنان یک مرز و بوم اند و در بسیاری خصوصیات با هم شریک و در بسیاری عقاید و نظریات مشترک. اما سفرنامه نویس به اقالیم دیگر سفر می کند که نحوه زندگی آن ها، آداب و عادات و عقاید و مذهب و روش و منش و فرهنگ آنان، ویژگی های دیگری دارد.

یادداشت های مسافری که سفرنامه نگاشته از حالات و آداب و فرهنگی حکایت می کند که یا با فرهنگ سفرنامه نویس موافقت و مشابهت و یا تضاد و مابینت دارد. انسان فهیم، وقتی خوی و عادات دیگر اقوام و ملل و حتی قبایل و طوایف وحشی را می نگرد با ثبت مشهودات خویش، امکان مطالعه در وضع و حال

دیگران را چه برای خود و چه برای دیگر پژوهندگان در حال و کار بشر فراهم می‌سازد. /

مشابهت‌های رفتارها، تأکیدی بر رفتار بیننده و غالباً تأییدی است بر صحت رفتاری که نزد اقوام مختلف بشر، مشابه است و تضادها موجب معرفت بیشتر به حالات و کردارها می‌شود و دانشمند و پژوهنده از دیدن و شنیدن رفتار و کردار و پندار متضاد به این اندیشه می‌آید که سبب تضادها چیست؟ و کدام دسته راه درست می‌پیماید و درست می‌اندیشد؟ تمایل به سیاحت و معرفت و شناختی که از سیر در حالات آدمیان و شهر و دیارها حاصل می‌شود خاص یک دسته از افراد بشر نیست، همه کسانی که با هر مقصود و منظوری سفر می‌کنند بدین شناخت تمایل دارند و این میل و علاقه آن‌چنان شدت و قوت دارد که اشتیاق سفر بر هدف‌های دیگر در وجود انسان غلبه می‌کند به‌طوری که کمتر کسی را می‌توان یافت که اُنس به سیاحت در وجود او سرشته نباشد.

سفرنامه‌ها را با توجه به موقعیت سفرنامه نویس می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

دسته اول: سفرنامه دانشمندان و فضایی است که از زمان‌های قدیم تا حال با علایق شخصی به سفر رفته‌اند و سفرنامه نوشته‌اند. قدیم‌ترین سفرنامه نویس ایرانی در این دسته، حکیم ناصرخسرو دانشمند و شاعر بزرگ قرن پنجم هجری است و سفرنامه نویس

عرب، ابن حوقل بغدادی است و از متأخران می‌توان از زین‌العابدین مراغه‌ای نویسنده سیاحت نامه ابراهیم بیگ و هرمان نوردون^۱ نویسنده کتاب زیر آسمان ایران نام برد که نویسندگان این سفرنامه‌ها، علاوه بر ذکر مشهودات خود به نقد و تحلیل مشاهدات هم پرداخته‌اند.

دسته دوم: سفرنامه‌هایی که صاحبان مناصب و شخصیت‌های سیاسی و مخصوصاً سفیران نوشته‌اند. این سفرنامه‌ها نیز منابعی برای شناخت تاریخ سیاسی ممالک و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این رشته است و با آنکه ممکن است گاهی حقیقتی قلب شده باشد اما بهر حال مأخذی برای محققان است. از مشهورترین سفرنامه‌های این دسته، سفرنامه‌های ناصرالدین شاه، سفرنامه میرزا صالح شیرازی، سفرنامه سایکس و سفرنامه دموورگان است.

دسته سوم: سفرنامه‌هایی است که در مأموریت‌های علمی نگاشته شده و درواقع گزارش سفر مسافر به کشور متبوع خویش است. این‌گونه سفرنامه‌ها هرچند گاهی دور از مقاصد سیاسی نبوده است که موجب شده در اصالت آن تردیدهایی حاصل آید اما جنبه علمی و تحقیقی آن‌ها درهرحال برای محققان ارزشمند است که نمونه این‌گونه سفرنامه‌ها سفرنامه مشهور شاردن است که خود شیفته

^۱ -Norden, Hermann

ایران شد و در اینجا ماند تا در گذشت و در اصفهان به خاک سپرده شد و نیز سفرنامه «دیالافوا» و سفرنامه کویرهای ایران و نظایر آنها.

دسته چهارم: سفرنامه جهانگردانی است که صرفاً برای سیر و گشت در جهان، و مشاهده شگفتی‌های عالم، دشواری‌های سفر را بر خود هموار کرده‌اند و چون مردمانی کنجکاو و سخت‌کوش بوده‌اند و از خطرهای نه‌راسیده‌اند و به نقاطی از علم پا نهاده‌اند که دیگر سیاحان را آن ته‌ور و جسارت نبوده است. نمونه این‌گونه سفرنامه‌ها، سفرنامه برادران امیدوار، سفرنامه محمود دانشور است و از سفرنامه‌های خارجیان، سفرنامه مارکوپولوی ونیزی و سفرنامه تاورنیه است.

و بالاخره دسته پنجم که شاید نتوان آن را جزو سفرنامه‌های واقعی به شمار آورد سفرنامه‌های تخیلی است که به صورت پیش‌بینی‌های علمی یا سفرهای افسانه‌ای و داستانی نوشته شده است که نمونه مشهور آن سفر هشتاد روزه به دور دنیا و سفر به قطب جنوب از ژول ورن و سفرهای گالیور و نظایر آنهاست. (دانش پژوه، ۱۳۸۰، ص ۲۷)

ایران به عنوان یکی از امپراتوری‌های جهان از کشورهای مهم تاریخ بشری با تمدن و فرهنگ چند هزارساله است. کشور ایران دارای تمدنی درخشان و بزرگ بوده که در منابع متعددی

توسط بزرگان علم و ادب و فرهنگ و سیاست به این مسئله اشاره شده است. وسعت جغرافیایی فلات ایران باعث شده هر گوشه آن دارای یک فرهنگ خاص باشد که برای شناخت هر منطقه بررسی و تحقیق فراوانی لازم است. استان خوزستان در جنوب غربی ایران از جمله مهم ترین و معروف ترین مناطق باستانی و تاریخی کشور است که از حدود یکصد و پنجاه سال پیش توسط باستان شناسان مورد کاوش و تحقیق قرار گرفته و در اسناد تاریخی به وقایع مهم آن اشاره شده است. به تبع فرهنگ و تمدن خوزستان، شهر دزفول هم سابقه ای کهن در منطقه دارد. وجود تپه های باستانی چغابنوت، چغامیش و وجود بستر شهر تاریخی جندی شاپور -اولین شهر دانشگاهی ایران در دزفول- اهمیت این شهر را دو چندان کرده است. آثار تاریخی و معماری شهر دزفول که آن را به شهر آجر معروف کرده است و شخصیت های علمی و فرهنگی فراوانی که از این شهر بر خواسته اند همگی نشان از فرهنگی بزرگ در این شهر است.

شهر تاریخی دزفول با سابقه هفت هزار ساله اش یکی از مهمترین شهرهای فرهنگی و تمدن ساز بوده است. فرهنگی که حاصل چند هزار سال تلاش و کوشش مردمانی بوده که در این منطقه زندگی کرده اند. باورهای دینی، صنایع دستی، بازیها، زبان، ضرب المثل ها و آداب و رسوم مردم دزفول همگی نشانه هایی از

وجود و حیات فرهنگی در این منطقه است. با مطالعات اسناد و مدارک و مشاهده فرهنگ دزفول از نگاه سفرنامه نویسان و کسانی که به دزفول سفر کرده اند می توان سیمایی از این شهر را از نگاه غیروبومیانی که به دور از تعصب مشاهدات خود را مکتوب نموده اند ارائه نمود.

بررسی ویژگیهای فرهنگی و طبیعی دزفول با استناد به منابع سفرنامه ای از جمله موضوعاتی بوده که تاکنون خلأ آن در تحقیقات صورت گرفته احساس می شد. فرهنگ مردم دزفول بنا به گفته ی سفرنامه نویسان با مسائل و آداب و سنن اسلامی عجین شده است. حضور علما و بزرگان دینی در شهر دزفول و تاثیر آن بر فرهنگ و رفتار مردم باعث شده که هر مسافری روحیه مذهبی و باورهای مردم این شهر را لمس کند. وجود رودخانه دز در این منطقه و صنایع و مشاغلی که به تبع آن ایجاد شده از نگاه سفرنامه نویسان مخفی نمانده است. صنایع و مشاغلی همچون صنعت نیل سازی، آسیاب های آبی و کشاورزی چشم هر بیننده ای را به خود جلب می کند. آثار معماری و ابنیه های تاریخی از جمله نمودهای مردم شناسی است که صاحبان سفرنامه ها بدان اشاره نموده اند.

اسناد و مدارک بسیاری در قالب سفرنامه ها موجود است که در بررسی ویژگیهای قومی و مردمشناسی دزفول و منطقه می توان از آن بهره برد. از قرون اولیه اسلام تا زمان حال،

جهانگردان، محققان و افراد زیادی به ایران رفت و آمد داشته اند و از خود آثار مهمی به جای گذاشته اند که می توان به عنوان نمونه به *صورة الارض ابن حوقل*، *مسالك و ممالك*، *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم مقدسی*، *نزهت القلوب حمدا...*، *مستوفی*، *معجم البلدان*، *یاقوت حموی* اشاره کرد. هر چند که سفرنامه نویسان زیادی از کشورهای اروپایی از دوران صفویه به بعد پایشان به ایران باز شد و از خود آثار زیادی به جای گذاشتند که می توان به *پیترو دلاواله*^۱، *راولینسن*^۲، *دیولافوا*^۳، *بارون دوبد*^۴، *لایارد*^۵ و افراد زیادی اشاره کرد که مجال آن نیست.

در این سفرنامه ها آداب و رسوم مذهبی، بازی ها و مسائل سیاسی و اجتماعی ایرانیان مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجائیکه تحقیق ما در مورد فرهنگ مردم دزفول در سفرنامه ها می باشد سعی شده که تمام سفرنامه هائی را که موجود بوده و به چاپ رسیده اند را بررسی نمائیم.^۶ تاکنون کتاب خاصی در مورد سفرنامه های مربوط به دزفول به چاپ نرسیده است اما در

^۱ - Pietro Della Valle

^۲ - Rawlinson, Henry Creswicke

^۳ - Dieulafoy, Jane

^۴ - DeBode, Clement Augustus

^۵ - Layard, Austen Henry

بعضی از کتب به این سفرنامه ها اشاره شده است که ذیلاً به آنها می پردازیم.

اول. مقالاتی درباره تاریخ جغرافیایی دزفول:

گردآوری و تدوین این کتاب توسط استاد سید محمدعلی امام اهوازی صورت گرفت و به کوشش آقای محمدحسین حکمت فر به زیور طبع آراسته شد. این اثر حاوی نکات جالبی در مورد تاریخ دزفول است. در این کتاب از سفرنامه هایی که توسط ایرانیان و خارجیانی که به دزفول آمده اند و مطالبی در مورد تاریخ و فرهنگ مردم دزفول نوشته اند، یاد شده است.^۱

دوم. مقاله ای در مورد دزفول و سفرنامه: این مقاله توسط راقم سطور در گاهنامه ی دژپل، سال اول، شماره پانزدهم و شانزدهم به چاپ رسیده و سفرنامه هایی که از دزفول مطالبی را نوشته اند، یاد شده است.

سوم: تحقیقات موازی در خصوص شهرهای دیگر

با توجه به تنوع فرهنگی در کشور و علاقه افراد ایرانی و خارجی به سفر به ایران و روانشناسی با فرهنگ مردم ایران زمین خوشبختانه دانشجویان زیادی از فرصت استفاده کرده و شهر خود

^۱ - امام اهوازی، محمد علی؛ مقالاتی درباره تاریخ جغرافیایی دزفول، باهتمام و مقدمه محمدحسین

را از منظر سفرنامه ها مورد بررسی قرار داده اند. به طور نمونه می توان به این کتابها و مقاله ها اشاره کرد.

اصفهان در سفرنامه ها که توسط شهره السادات قاسم زاده شهری به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ تمدن اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۷ ارائه شده است.

تبریز از نگاه جهانگردان که توسط بهروز جاماجی در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده، کتابی در باب فرهنگ مردم تبریز از نگاه جهانگردان است. (انتشارات تبریز یاران، ۱۳۸۹)

اردبیل در سفرنامه ها که در مجله تماشای زندگی به سال ۱۳۷۳ منتشر شده است.

یزد در سفرنامه ها به قلم اکبر قلمسیاه نیز در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است. (انتشارات سبز رویش، ۱۳۷۵)

گیلان در سفرنامه های سیاحان خارجی که توسط محمود نیکوبه در رشت به سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. (رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۶)

بلوچستان در سفرنامه های دوره قاجار، عبدالودود سپاهی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۷۷ و ۷۸، ۱۳۸۲-۱۳۸۳

شوشتر در سفرنامه ها، خاطرات و کتب جغرافیایی، غفار پوربختیار
و غلامرضا بهنیا، دانشگاه آزاد، واحد شوشتر، چاپ اول، زمستان

دزفول از نگاه سفرنامه ها

مقدمه

موقعیت جغرافیائی شهرستان دزفول

شهرستان دزفول با ۷۸۸۴ کیلومتر مربع مساحت، در شمال استان خوزستان واقع شده و مرکز آن شهر دزفول است. شهر دزفول در ۱۵۵ کیلومتری شمال اهواز، بین ۳۲ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد. بلندی آن از سطح دریا ۱۴۰ متر و فاصله هوائی آن تا تهران ۴۶۵ کیلومتر است. قسمت شمالی این شهرستان، مرتفع و کوهستانی، و قسمت مرکزی و جنوبی آن دشت است. مرتفعترین کوههای شمالی عبارت اند از: کوه سالن با ۲۴۶۴ متر ارتفاع و کرناس با ۲۵۵۰ متر ارتفاع.

رودخانه مهم این شهرستان دز می باشد. آب و هوای دزفول صحرائی نسبتاً خشک، با تابستانهای گرم و زمستانهای معتدل است. حداکثر درجه حرارت در تابستان ۴۸ و حداقل درجه

حرارت در زمستان ۲ درجه سانتی گراد است. متوسط بارندگی سالانه ۳۰۰ میلی متر گزارش شده است.

اراضی بیشتر نقاط شهرستان دزفول مسطح و به طور کلی مرغوب اند، جنس خاک آن رسی شنی، شنی رسی، رسوبی و سیاه است. (ایرج افشار سیستانی، جلد اول، ص ۱۲۰)

جمعیت فعلی شهرستان دزفول بیشتر از ۵۰۰۰۰۰ نفر اعلام شده است.

موقعیت طبیعی شهرستان دزفول

با توجه به اینکه دزفول از دو منطقه با آب و هوای متضاد تشکیل شده، یعنی از یک سو دارای کوههای بلند و هوای سرد در زمستان و یک منطقه دارای دشت و هوایی گرم است لذا این منطقه دارای شرایط محیطی خاصی می باشد. پوشش گیاهی دزفول به صورت درخت های بزرگی مثل کنار که با ارتفاع ۲۰ تا ۲۵ متر و با ارزش بالای اقتصادی و فرهنگی است، می باشد.

همچنین درختان بلوط و بادام نیز از جمله درختان کوهستانی منطقه است.

زمین حاصلخیز دزفول نیز باعث شده تا انواع و اقسام درختان مرکبات، سبزیها و گلها در منطقه قابل کشت شوند و برای اقتصاد و معشیت مردم مفید واقع شوند.

وجه تسمیه و سابقه تاریخی دزفول

دزفول، معرب «دژیل» بر کنار رودخانه دز در جنوب شهر قدیم گندی شاپور قرار گرفته است. مردم محل، آن را «دزفیل» می گویند. بنای این شهر در زمان ساسانیان و همزمان با پلی است که در کنار آن بر روی رود دز ساخته شد تا ارتباط بین پایتخت جدید یعنی گندی شاپور و شوش برقرار شود.

در گذشته پل را پل روناش و شهر را اندامش می گفتند، ولی مقدسی از آن به نام شهر قنطره یاد کرده است. یاقوت حموی، روناش، اندامش، قنطره و دزپل را یکی دانسته و از آنها به عنوان شهر واحدی نام برده است.

حمداله مستوفی بنای دزفول را به اردشیر بابکان نسبت می دهد و می گوید در این شهر پلی بر آب گندی شاپور بسته اند به طول ۵۲۰ و عرض ۱۵ گام که دارای ۴۲ چشمه است و به نام پل اندامشک معروف است.

در نیمه اول سده نوزدهم میلادی کشت نیل در پیرامون دزفول رایج شده و به سرعت توسعه یافت و تا رواج رنگهای خارجی رونق بسیار داشت. از کالاهای تجاری عمده دیگر آن قلم نی بود که تا قسطنطنیه و هند صادر می شد. (ایرج افشار سیستانی، جلد اول، ص ۱۳۲)

شهر دزفول در سالهای اخیر یعنی از دهه چهل به بعد به علت احداث سد عظیم دز بر روی رودخانه دز، اهمیت و اعتبار خاصی پیدا کرده است. عملیات نیشکر کاری در هفت تپه و ایجاد کارخانه های تصفیه شکر و کاغذ سازی پارس، وضع این شهرستان را دگرگون ساخته است.

با احداث کانالها و سد های فرعی بر آب رودخانه، نواحی وسیعی از حومه دزفول به کشتزارهای نمونه علوفه، دانه های روغنی، سبزیها، کف و پنبه تبدیل شده اند.

نگاهی به ترکیب نژادی مردم دزفول

مطمئناً مردم هر کشور و منطقه از افراد خاصی با یک ترکیب نژادی و فرهنگی تشکیل شده است. این ترکیب نژادی باعث بوجود آمدن فضا و فرهنگ خاصی از جمله زبان، اعتقادات و رسومات فرهنگی می شود. شهر دزفول نیز با توجه به تاریخ و

منطقه جغرافیایی آن از ترکیب اقوام مختلفی تشکیل شده که امروزه به آن مردم شهر دزفول و یا دزفولی می گوئیم.

هنری فیلد^۱ می گوید: شهر دزفول در شمال خوزستان در ساحل چپ آن واقع شده است. این شهر مرتفع و ارتفاع آن تا حدی نامنظم است و در سمت رودخانه ارتفاع آن در محوطه ای از صخره هایی به بلندی ۱۰۰ پا تقلیل می یابد و پایه این صخره ها را در موقع طغیان رودخانه، آب فرا می گیرد. جمعیت این شهر بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر تخمین زده شده است. این شهر بسیاری عناصر نامتجانس را در خود مستهلک کرده و بعضی گروه ها دارای اسامی هستند که از ریشه خارجی است. معهذا همه در یک جامعه مشترک که زبان و آداب و رسوم و لباس آنها یکسان است مخلوط شده اند و می توان گفت که یک نوع مخصوص بخود تشکیل داده اند. سالهای متمادی هیچ یک از افراد قبائل کرد و لر و عرب در این شهر زندگی نمی کرد و یگانه مذهب آنها شیعه بود. (هنری فیلد، ۱۳۴۴، ص ۲۲۱-۲۲۲)

وی اضافه می کند: ساکنین خوزستان از نوع مختلف هستند، بخصوص در قسمت شمالی استان که تعداد لرها زیاد است، در حالیکه شهرهای دزفول و شوشتر جمعیتی را دارند که اصل آنها

^۱-Field, Henry

نامعلوم است و ممکن است از نژاد آشوری های قدیم باشند که با ایرانیان مخلوط شده اند. (هنری فیلد، ۱۳۴۴، ص ۲۲۴)

با توجه به حضور مردمانی از عیلام، یهودیان، آریاییان، یونانیان، رومیان، اعراب و مغول ها در منطقه خوزستان خصوصاً در شهرهای دزفول و شوشتر لذا افراد ساکن از اعقاب همان مردم هستند که با برخی از مردمان دیگر در این چند صد سال اخیر مخلوط شده اند و مردم دزفول را تشکیل داده اند.

آقای سید محمدرضا فاطمی در کتاب تاریخ جغرافیائی دزفول مقاله ای نوشته اند که ما را بیشتر با نژاد و اقوام ساکن در دزفول آشنا می کند.

ایشان می گویند: خوزستان و به تبع آن شهرهایی مانند دزفول از قدیم الایام مرکز رفت و آمد اقوامی بوده که خواه ناخواه هر یک مدتی در آن رحل اقامت افکنده اند. بعضی از این اقوام با جریان های تاریخی از بین رفته و جز نام و نشانی از آنها نمانده است. مقولات زبان و نژاد نیز از اجزاء و تابعی از این رفت و آمد و مسکن گرفتن اقوام است، زیرا طبیعی می نماید هر قومی که به این سرزمین وارد شده زبان و عادات خود را نیز با خود آورده است.

در مرحله بعدی و به مرور زمان از ترکیب عناصر فرهنگ قدیم و جدید فرهنگ دیگری بوجود آمده که بعداً جنبه بومی پیدا کرده است. قبل از اسلام اقوام عیلامی ساکن خوزستان بوده اند

سپس هخامنشیان که پارسی و آریائی بودند در خوزستان ساکن شدند. اقوام یونانی نیز در آن زمان در خوزستان بوده اند که اسیر بوده یا در زمان اسکندر در این جا ساکن شده اند. در زمان ساسانیان عده ی زیادی اسیر رومی در شهرهای مختلف خوزستان از جمله جندی شاپور ساکن می شوند. اعراب، صبی ها و یهودیان نیز قبل از اسلام وارد خوزستان شده اند.

بعد از اسلام نیز تیره های نژادی دیگری به خوزستان وارد شده اند که مهم ترین آنها ترکها، لرها و اعراب بوده اند.

از اقوام لر می توان به خانواده های رشنو، ساکی، کرناسی و میرعالیخانی اشاره کرد. خانواده های آصف، رفعت، سرتیپ زاده و خضریان از ایل چگنی لرستان هستند. از طوایف بختیاری در شهر دزفول هم وجود دارد.

اعراب که از بین آنها می توان به سادات، شیوخ و افراد خاص عرب اشاره کرد در زمانهای گذشته به دزفول آمده اند مثل خاندان انصاری، عاملی، سادات آقامیر، سادات اشرفی (که اصالتاً از هندوستان به دزفول آمده اند)، سادات عالمشاه، شاهرکن الدین، سادات گوشه و قاضی اشاره کرد. ترکها نیز در شهر دزفول حضور دارند از جمله خانواده های مقدم، بیگدلی، صالح پور و افشار از این خانواده ها هستند. خانواده ی رشیدیان از اولاد آینه خان